

نامه سرگشاده به اجلاس جمهوری خواهان لائیک و دموکرات در پاریس

نامه سرگشاده به اجلاس جمهوری خواهان لائیک و دموکرات در پاریس

تلاش برای سازمان یابی یک جنبش سیاسی ، اجتماعی حول اصولی چون آزادی، سکولاریزم، کثرت گرایی، حق رأی عمومی و استقلال برای گشودن یک چشم انداز مردم سالارانه در افق سیاسی ایران امری است کاملاً بحق و ضروری. در شرایطی که فرآیند سقوط و فروپاشی استبداد دینی حاکم با گسترش دامنه ی مداخلات امپریالیستی، خصوصاً امپریالیسم امریکا، در جهان و در خاورمیانه توأم شده است و تحت کنترل در آوردن انتقال سیاسی- اقتصادی ایران به هدفی مستقیم برای سیاست های ضد مردمی، ضد دموکراتیک و غارتگرانه بدل شده، پاسخ گویی به چنین ضرورتی بیش از هر زمان دیگر فوریت دارد.

طرفیت های سیاسی و فرهنگی جامعه ی ما، امروز، به درجه ای رشد یافته که نه تنها بر پایی جنبشی برای دفاع از ارزش های بالا را ضمانت می کند، بلکه تحول این جنبش به یک بازیگر اصلی در صحنه ی سیاسی را نیز امکان پذیر می سازد. زنجیره ای از حرکت ها، مبارزات و جنبش های اجتماعی که گروه های بزرگی از زنان، کارگران، جوانان، روشنفکران، هنرمندان و ملیت ها و اقوام تحت ستم را به میدان آورده در کنار طیف گسترده ای از فعالان سیاسی متشکل و یا منفرد از کمونیست و سوسیالیست و آنارشист، تا لیبرال، فمینیست، دین باوران لائیک و مدافعان برابری ملی ، قومی که بر استقرار آزادی و دموکراسی در ایران پای می فشارند و در جهت تحقق آن مبارزه می کنند، بستری است که این جنبش می تواند بر روی آن بروید.

موفقیت هر کوششی در این راه در گرو پذیرش منطق تکوین و تحول جنبش های فراگیر اجتماعی ، سیاسی است. منطقی که می توان آن را خلاصه کرد به **اصول و ارزش ها** و **روش ها** در اولویت های مطالباتی، تاکیدات راهبردی و تاکتیکی و برداشت های نظری پیرامون اشکالی که ارزش ها و اصول نهادی می شوند. روشن است که در این منطق، نه برای مفاهیمی چون "حداکثر" و "حداقل" در تعریف و تعیین اصول و ارزش ها جایی وجود دارد و نه برای "اقلیت" و "اکثریت" در بیان گوناگونی و تنوع درونی؛ به همان اندازه که در اصول و ارزش ها راه بروی سازش بسته است، در ترکیب درونی حذف، محدودیت و یا ترتیبات سلسله مراتبی بی معنی است.

در ک چنین منطقی محتاج داشتن برداشتی عینی از جنبش های اجتماعی ، سیاسی و دینامیزم تکوین و تحول آنهاست. در چهارچوب چنین برداشتی مسلماً جنبش نه یک **الگوی ذهنی**، بلکه **فرایند** زنده و خود پو است؛ اصول ارزشی آن از عام ترین ضرورت های عینی بیرون می

آیند و در نقش خط راهنمایی عمل می کنند که افق و راستای حرکت را نشان می دهند. از این دیدگاه، اشکال نهادی (از جمله نهادهای سیاسی) نه □□□□□□ بر جنبش بلکه □□ □□□□ی □□□□□□ آنست؛ این جنبش است که در فرجام خود بصورت نهاد در می آید و نه بالعکس.

ما امضاء کنندگان این نامه سرگشاده برآنیم که بخش مهمی از آنچه تحت عنوان “اسناد سیاسی” تهیه شده و برای تصمیم گیری در نشست سراسری پاریس انتشار یافته از چنین منطقی و چنین درکی فاصله دارند. مندرجات و محتویات بسیاری از این اسناد بیش از آنکه مشترکات قطعی موجود در میان طیف گسترده حامیان جنبش جمهوری خواهی لائیک و دموکرات را تبیین کرده باشند، اختلافات را (و بعضاً اختلافات قطعی را) بیرون کشیده اند و آنها را مورد پرسش و موضوع تصمیم گیری قرار داده اند. در این اسناد، مستقیم و غیر مستقیم، گرایش به انزواجویی ایدئولوژیک و تک صدایی سیاسی به رسمیت شناخته شده و جای تأکید بر چندگونه گی نظری و سیاسی را گرفته است. به باور ما، تلاش موفق در جهت سازمان یابی یک جنبش واقعی و فراگیر در گرو تجدید نظر در چنین رویکردی است. حسن نیت دست اندکاران و فداکاری های تحسین بر انگیز آنان زمانی در این راستا به ثمر خواهد نشست، که گردهمایی پاریس در نخستین قدم بتواند یک چهارچوب ارزشی مشترک و فراگیر را ترسیم کند و (خط سوم) جمهوری خواهی را از تمامی ظرفیت حمایتی خود بهره مند سازد.

با این فرض که اکثریت بزرگی از کوشندگان حرکت جاری و شرکت کنندگان در گردهمایی پاریس در این نگرش با ما سهم اند و با درایت و احساس مسئولیت از پیش نهاداتی که در این جهت ارائه شود استقبال خواهند کرد، ما امضاء کنندگان این نامه خطوط زیر را به عنوان چهارچوب مشترک و منشور فراگیر جنبش جمهوری خواهی لائیک و دموکرات پیش نهاد می کنیم. با این توضیح که درون این چهارچوب گرایشات نظری، سیاسی متفاوت از استقلال کامل بر خوردارند و تنوع برنامه ای و راهبردی، اختلافات در اشکال نهادی، ناهمگونی در تعیین اولویت های مطالباتی و ترجیحات تاکتیکی بطور کامل به رسمیت شناخته می شود.

- حق رأی و مشارکت آزاد و برابر همه ی افراد مردم در حیات سیاسی کشور، مستقل از جنسیت، قومیت، ملیت، مذهب و نژاد؛

- آزادی های سیاسی بی حصر و استثناء، از جمله آزادی اندیشه، بیان، قلم، حزب و تشکل؛

- جدایی دین از دولت؛

- تضمین حقوق برابر زنان و مردان در همه عرصه ها؛

- به رسمیت شناختن حقوق همه ی قوم ها و ملیت های ساکن ایران برای حاکمیت بر سرنوشت خویش

- تامین حقوق اجتماعی اساسی ای که لازمه ی شهروندی برابر است، از جمله معاش، مسکن،

بهداشت، آموزش و کار؛

- دفاع از استقلال کشور و حق حاکمیت مردم ایران و مخالفت با هرگونه مداخله ی خارجی در تعیین سرنوشت آنان.

- تحقق اصول بالا در گرو برچیده شدن جمهوری اسلامی؛ نفی هر گونه حکومت دینی، موروئی، مسلکی، غیر انتخابی و غیر قابل تغییر به وسیله مردم؛ و برقراری یک جمهوری بر آمده از آراء مردم و پاسخگو به آنان است.

- مجلس مؤسسان منتخب مردم یگانه مرجع تعیین نظام سیاسی جای گزین است.

محمد آزادگر، اصغر ایزدی، بهرنگ آبکناری، پیران آزاد ، سعید آزاد، حجت پوینده، حسن حسام ، حمید ریاحی، طاهره سعادت، اکبر شالگونی ، محمد رضا شالگونی، اردشیر مهرداد ،رحیم نجاران